

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Historical

تاریخی

برگردان از: توسط حمید محوی

۲۲ می ۲۰۱۲

استعمار در آسیا

کارل مارکس و فردریش انگلس

۵

۸

کارل مارکس

نتایج احتمالی

استیلای بریتانیا در هند

لندن، جمعه، ۲۲ جولای ۱۸۵۳

نشر نیویورک دیلی تریبون

شماره ۳۸۴۰، هشتم اگست ۱۸۵۳

در این نوشته می خواهیم به نتایج مشاهداتم درباره چگونگی استیلای انگلیس و استقرار آن در هند بپردازم. چگونه انگلیس بر هند تسلط یافت؟

حاکمیت و سلطنت مغول کبیر توسط نایب السلطنه های خودشان در هم شکسته شد و حاکمیت نایب السلطنه ها توسط «ماهارات»ها (۱) از هم فروپاشید و حاکمیت «ماهارات ها» توسط افغان ها به تاراج رفت، و زمانی که همه علیه یک دیگر می جنگیدند، بریتانیایی ها سر بر آوردند و جملگی را مطیع خود ساختند.

کشوری که نه تنها بین مسلمانان (۲) و هندوها (۳) بلکه بین قبایل و کاست ها (۴) تقسیم شده بود، و جامعه ای که تعادل خود را به نوعی در نفی حکومت مرکزی و اقتدار همه شمول آن جست و جو می کرد و ساخت و ساز آن از واحد های کوچک روستائی تشکیل شده بود : آیا چنین کشوری و چنین جامعه ای طعمه سهل و آسانی برای

ماجراجویی های کشور کشایانه نبود؟ اگر از تاریخ گذشته هندوستان چیزی نمی دانستیم، و حتی امروز که بی هیچ شک و شبهه ای هند زیر یوغ انگلیس در آمده است و ارتش هند نیز با هزینه هند تحت اختیار انگلیس می باشد، آیا باز هم در برابر چنین وقایعی شگفت زده می شدیم؟

هند هرگز نمی توانست از سرنوشت تسخیر شدن دائمی خود بگریزد، و سر تا سر تاریخ هند نیز انباشته از تهاجمات دائمی می باشد که این کشور متحمل شده است. جامعه هند فاقد تاریخ است، یا حداقل فاقد تاریخ شناخته شده است. آن چه را که ما تاریخ هند می نامیم، در واقع چیزی نیست مگر تاریخ مهاجمینی که یکی از پس از دیگری، بی آن که با مقاومتی مواجه شوند، در متن جامعه ای را کد و منفعل، امپراتوری های خود را بر پا می داشتند. بنابراین پرسش این جا نیست که آیا انگلستان در تصرف هند ذی حق بوده و یا نبوده است، بلکه باید به این پرسش پاسخ بگوئیم که آیا تصرف هند توسط ترک یا ایران یا روس را به تصرف بریتانیا ترجیح می دهیم یا نه (۵)؟

انگلستان در هند عهده دار مأموریتی مضاعف است: تخریب و باز سازی - یعنی انحلال جامعه ای کهن آسیائی، و ایجاد زمینه و بنیادهای مادی جامعه غربی در آسیا (۵). عرب ها، ترک ها، تاتارها، مغول ها که یکی پس از دیگری به هند هجوم می آوردند، به زودی به «هندی مسلک» (۶) تبدیل شدند، زیرا فاتحین بربر بنابر قانونی تاریخی و خدشه ناپذیر، سرانجام در صورتی که سرزمین مفتوحه واجد تمدنی برتر باشد، تابع آن خواهند شد.

بریتانیائی ها اولین مهاجمین فاتحی بودند که نسبت به تمدن هند برتری داشتند و جذب تمدن هند نشدند. بریتانیائی ها تمدن هند را با ویران ساختن ساختار جامعه بومی و با تخریب صنایع بومی و با از میان برداشتن هر آن چه که در این جامعه عظیم و گرانقدر به نظر می رسید، تمدن هند را ویران کردند. تاریخ تسلط بریتانیا در هند چیزی به جز روایت ویرانی نیست. با این وجود کار بازسازی به سختی روی ویرانه ها آغاز شد.

وحدت سیاسی هند به عنوان اولین شرط بازسازی با انسجام بیشتر و بیش از آن چه در گذشته و در عهد مغول کبیر به خود دیده بود، سرانجام تحقق یافت. چنین وحدتی که به ضرب شمشیر بریتانیا تحمیل شده بود از این پس با تلگراف برقی (الکترونیک) ملازمت پیدا کرده و پایدارتر و مستمرتر از همیشه به نظر می رسد. ارتش بومی متشکل و آموزش دیده توسط سرگروهان مربی بریتانیائی نقطه عطف هندوستانی بود که آزاد می شد و هندوستانی که از این پس طعمه سهل و آسانی برای مهاجمین خارجی نبود. مطبوعات آزاد که برای اولین بار وارد جامعه آسیائی شده بود، عنصری تازه و نیرومند بود که در بازسازی کشور شرکت داشت و هندوها و اروپائی ها آن را اداره می کردند. نظام «زمینداری» (۷) و «ریوتواری» (۸) هر چند که آنها را نفرت انگیز بدانیم، ولی شامل دوشکل مالکیت خصوصی زمین بود و از جمله رویاهای جامعه آسیائی به شمار می آمد. برخی از هندی زادگان در کلکته و در شرایط نامناسب و تنگ نظرانه تحت آموزش و سرپرستی انگلیس قرار می گیرند و با این نیت که طبقه جدیدی را به وجود آورده و مشمولین با کسب قابلیت لازم جذب دستگاه دولتی شوند. چنین دانش آموزانی معمولاً انباشته از علوم اروپائی بودند. ماشین بخار موجب گردید که هند به سرعت و به شکل دائمی با اروپا در ارتباط قرار گیرد، و چندین بندر در سواحل جنوبی و شرقی ایجاد شد و هند از انزوایی که موجب رکود بس دیرینه آن شده بود فاصله گرفت. به زودی با ترکیب راه آهن و کشتی بخار، فاصله زمانی بین انگلستان و هند به هشت روز رسید، و دور نیست آن روزی که این سرزمین افسانه ای عملاً به جهان غرب ملحق گردد. توجهات رهبران بریتانیا به مسأله پیشرفت هندوستان، تا کنون کاملاً اتفاقی گذرا و استثنائی بوده است. تا این جا آریستوکرات ها تنها در فکر فتح هند بودند و سرمایه داران (۹) به چپاول آن نظر داشتند، و امید الیگارشی کارخانه دار نیز به تسخیر بازارهای هند با محصولات ارزان قیمتشان خلاصه می شد. الیگارشی کارخانه دار پی برده بود که منافع حیاتی و پر اهمیتش در این

است که هند را به کشوری تولید کننده تبدیل کند و در نتیجه برای تحقق بخشیدن به چنین طرحی ضروری بود که سیستم آبیاری و ارتباطات داخلی ایجاد کند. به این ترتیب طرح راه آهن هند را به اجراء می گذارند، با این حال نتیجه چنین طرحی چندان قابل ملاحظه نبود.

روشن است که توان تولیدی هند، به علت فقدان امکانات حمل و نقل و مبادله کالا، در حال انفعال به سر می برد. در هیچ کجای دنیا مثل هند، علی رغم فراوانی محصولات و سخاوتمندی طبیعت، عدم امکانات مبادله کالا تا این اندازه به فلاکت اجتماعی منجر نشده است. به اساس اطلاعاتی که در سال ۱۸۴۸ به سمع هیأتی از مجلس عوام بریتانیا رسید، به روشنی آشکار شد که «زمانی که هر «کوآرت» (۱۰) گندم در کاندش (۱۱) به شش تا هشت شلینگ به خرید و فروش می رسید، در پونا (۱۲) به ۶۴ تا ۷۰ شلینگ معامله می شد، یعنی جایی که مردم از گرسنگی در خیابان ها به هلاکت می رسیدند. زیرا راه های زمینی قابل استفاده نبودند و رساندن آذوقه به کاندش امکان پذیر نبود. به راه انداختن راه آهن و ایجاد منبع برای ذخیره آب و حمل خاک برای پر کردن چاله های جاده و هدایت جریان آب در طول خط آهن به راحتی می تواند جهت گسترش کشاورزی مورد استفاده قرار گیرد. به این ترتیب سیستم آبیاری که شرط اساسی کشاورزی در شرق است، تحول و گسترش عظیمی خواهد یافت، و مشکل گرسنگی و قحطی در مناطق مختلف که به علت کمبود آب به شکل دائمی به وقوع می پیوندد از بین خواهد رفت. درباره اهمیت ایجاد راه آهن تنها کافی است خاطر نشان کنیم که زمین داران زمین های آبیاری شده در مناطق مجاور سلسله جبال «گات» (۱۳) سه برابر بیشتر مالیات می پردازند، و ده تا دوازده بار بیشتر نیروی کار استخدام می کنند و دیگر این که چنین زمین هایی دوازده تا پانزده بار بیشتر از زمین هایی که واجد سیستم آبیاری نیستند محصول به بار می آورند.

راه آهن با مجموعه امکاناتی که ایجاد می کند، حجم مخارج نگهداری مؤسسات نظامی را کاهش خواهد داد. کنل وارن (۱۴) فرمانده قلعه «سن ویلیام» (۱۵) مقابل هیأت خاصی از مجلس عوام در این باره چنین اظهار داشت «دریافت اطلاعات از دور افتاده ترین نقطه کشور که در حال حاضر به روزها و هفته های متمادی نیازمند است، ظرف مدت کوتاهی به انجام خواهد رسید و ارسال فرامین و واحدهای نظامی و آذوقه و مهمات نیز در کوتاه ترین زمان تحقق خواهد یافت و چنین نکاتی را نباید دست کم گرفت. علاوه بر اینها توقف واحدهای نظامی در فرارگاه های دور افتاده در شرایط سالم تری امکان پذیر خواهد شد و به این ترتیب می توان از تلفات انسانی در اثر بیماری جلوگیری کرد، و این از جمله وقایعی است که به کرات اتفاق می افتد. و علاوه بر این نیازی به نگهداری آذوقه در انبارها نخواهد بود زیرا غالبا تحت تأثیر آب و هوا می گندند و به این ترتیب از چنین ضایعاتی نیز جلوگیری خواهد شد. و آذوقه ها را می توان در حد مدت مصرف مؤثرشان نگهداری کرد.»

می دانیم که ساخت و ساز امور اتحادیه ها (۱۶) و بنیاد اقتصاد جامعه روستائی که مبنی بر رژیم خود گردان سنتی اداره می شد دچار فروپاشی شده است، ولی با این وجود بدترین ویژگی آنها هنوز به صورت اتم های قالبی (۱۷) و بی ارتباط با یک دیگر دوام آورده اند. انزوای روستا از جمله به دلیل فقدان جاده در هند بوده و فقدان جاده به نوبت خود انزوای روستا را تداوم بخشیده است. به این ترتیب اتحادیه های روستائی در سطح پائین رفاهی، و تقریبا بی هیچ ارتباطی با روستاهای دیگر و بی هیچ خواست و آرزومندی و تلاش لازم برای دستیابی به مدارج پیشرفت (۱۸)، به حیات خودشان ادامه داده اند. بریتانیائی ها با ایجاد راه آهن و اشاعه نیاز به ارتباطات و روابط جدید، رکودی را که شامل روستاهای خود کفا بود در هم شکستند. علاوه بر این، «یکی از تحولاتی که بنای راه آهن در روستاها ایجاد خواهد کرد، آشنائی با ساخته ها و اختراعات کشورهای دیگر است که خریداری کردن آنها صنایع

دستی سنتی و مزد بگیران آن را تشویق خواهد کرد که بهترین امکانات خود را بیازمایند و در تکمیل کاستی های آن بکوشند.» (شاپمن ۱۹)، پنبه و تجارت در هند).

می دانیم که الیگاری کارخانه دار انگلیس به ایجاد راه آهن در هند تمایلی ندارد و تنها در حدی عمل می کند که با کم ترین مخارج بیشترین بهره برداری را از کشت پنبه به عمل آورد و تنها مشغله آنها الزامات کارخانه هایشان به مواد اولیه است. ولی از زمانی که شما ابزار مکانیکی و ماشین آلاتی مثل وسایل حمل و نقل را به کشوری وارد کردید که دارای منابع آهن و زغال سنگ است، دیگر نمی توانید آن کشور را از تولیدات خود محروم سازید. شما نمی توانید بدون ایجاد مقدمات و فرایندهای صنعتی لازم و ضروری جهت رفع نیازهای فوری و جاری در حمل و نقل روی ریل در کشوری پهناور راه آهن ایجاد کنید. از این رو می بایستی به گسترش و به کار بستن ماشین آلاتی اقدام کرد که ممکن است الزاما با بخشهای صنعتی راه آهن ارتباط مستقیمی نداشته باشد. بنابراین راه آهن پیش گام صنایع جدید (۲۰) در هند خواهد بود.

آن چه مسلم است و بنابر اعترافات مقامات عالی بریتانیا، هندیان به شکل بارزی خود را با کارهای جدید وفق می دهند و در کسب آگاهی و مهارت لازم با ماشین مستعد هستند. مثال بارز آن را می توان در قابلیت و مهارت ماشین کارهای بومی، که با سکه کلکته مزد می گیرند و سال هاست که در خدمت راه اندازی ماشین بخار هستند و بومیان دیگری که در به کار انداختن ماشین آلات متنوع بخار در معادن زغال سنگ در هاردوار (۲۱) فعال هستند و مثال های دیگر. کامپبل (۲۲) شخصا هر چند که تحت تأثیر پیشداوری های کمپانی هند شرقی ست، اجباراً اعتراف می کند: «که توده های عظیم مردم هند از توان و انرژی صنعتی بزرگی برخوردار بوده و دارای استعداد و قابلیت کسب سرمایه علمی قابل توجهی هستند. و علاوه بر این شفافیت ذهنی آنان در ریاضیات و محاسبات و علوم دقیقه بسیار بارز به نظر می رسد.» و اضافه می کند که: «هوش آنان در سطح عالی است.» (۲۲)

صنایع مدرنی که از نتایج ایجاد سیستم راه آهن حاصل خواهد آمد، در گسترش خود، تقسیم کار ارثی و سنتی را که در تعلق نظام کاست های هندی (۲۳) ست منحل خواهد کرد و به این ترتیب با از میان برداشتن چنین عوامل بازدارنده ای راه پیشرفت و قدرت هند هموار خواهد شد.

با این وجود تمام آن چه را که بورژوازی انگلیس در هند انجام خواهد داد به آزادی توده های مردم و بهبود شرایط زندگی آنان نخواهد انجامید، زیرا چنین امر خطیری نه تنها به گسترش نیروهای تولیدی بستگی دارد، بلکه در عین حال می باید در تملک و تصرف مردم نیز باشد. ولی آن چه را که بورژوازی از انجام آن باز نخواهد ایستاد، ایجاد شرایط مادی جهت تحقق بخشیدن به هر دو مورد است. آیا بورژوازی همواره کاری فراتر از این انجام داده است؟ آیا تا کنون پیش آمده است که بورژوازی به پیشرفتی جامه عمل پوشانده باشد بی آن که افراد و مردمان را به خاک و خون نکشیده و در فقر و تهی دستی و ذلت فرو نبرده باشد؟

هندیان از مزاحم و محصولات جامعه جدیدی که بورژوازی انگلیس در کشورشان ایجاد کرده است بهره ای نخواهند برد و تا زمانی که پرولتاریای صنعتی در انگلستان جایگزین بورژوازی نشود و یا این که خود هندیان به اندازه کافی توان این را نیابند که قاطعانه به سلطه انگلیس پایان ببخشند، تحولی در این زمینه روی نخواهد داد. در هر صورت، باید در زمانی کمابیش دور منتظر باز زائی این کشور بزرگ و پر اهمیت باشیم که اهالی سخاوتمند آن به گفته شاهزاده سالتیکوف (۲۴)، حتی در بین طبقات پائین از ایتالیائی ها نیز ظریف تر و دقیق تر هستند و در فرمانبرداری آنان آرامش بلند نظرانه ای موج می زند که علی رغم کاهلی طبیعی آنان با شهامتی که از خود نشان داده اند افسران بریتانیائی را به شگفتی واداشته اند. کشوری که سرچشمه زبان ها و مذاهب ماست و در جات (۲۵)

تیپ ژرمنی(۲۶) را تداعی می کند و برهنه نیز یادآور تیپ یونان قدیم به نظر می رسد. با این حال نمی توانم موضوع هند را بی آن که به نکاتی چند اشاره کنم به پایان ببرم.

مکر و ریای عمیق و بربریتی که جزء لاینفک تمدن بورژوائی است به روشنی خود را در مقابل ما آشکار می سازد زیرا هنگامی که در کشور زادگاهش در اشکال قابل احترامی تظاهر می کند، به محض عبور از مرز و ورود به کشور بیگانه و در مستعمرات نقاب از چهره بر می کشد. بورژواها مدافع مالکیت هستند ولی آیا هیچ حزب انقلابی به انقلابات ارضی مانند آن چه در بنگال یا مدراس یا بمبئی روی داد مبادرت کرده است؟ آیا در هند این غارتگر بزرگ لرد کلیو(۲۷) نبود که وقتی بز هکاری های پیش پا افتاده و رایج طمع او را دیگر بر نمی آورد دست به اعمال زور و فاجعه آمیز زد؟ و در حالی که در اروپا درباره تقدس خدشه ناپذیر قروض مملی نطق می کرد، در هند سود سهام راجه هائی (۲۸) را که در کمپانی سرمایه گذاری کرده بودند توقیف کرد؟ و در حالی که به بهانه دفاع از ارزش های مقدس مذهبی علیه انقلاب فرانسه مبارزه می کرد، آیا هم او نبود که از گسترش مسیحیت در هند ممانعت به عمل آورد تا هم چنان نذورات زائرین معابد اوريسا(۲۹) و بنگال را به حساب خودش واریز کند و از قاچاق مرگ و تداوم فحشاء در معبد جاگاناتا(۳۰) بهره برداری کند؟ این چنین اند مردان «مالکیت، قانون، خانواده و مذهب».

نتایج اسفناک صنایع انگلیسی در رابطه با هند، کشوری به وسعت اروپا و مساحتی بیش از سه میلیون کیلومتر مربع، ملموس و دهشتناک است. ولی نباید فراموش کنیم که جملگی از نتایج انداموار تمام ساخت و ساز تولید بوده که تا کنون تشکل یافته است. چنین نظام تولیدی بر اساس استیلای تمام قدرت سرمایه داری قوام یافته است. تمرکز سرمایه پایه و اساس بقای آن به عنوان قدرتی مستقل است. نفوذ مخرب چنین تمرکزی در بازارهای جهان مبین قوانین اندام واری است که جزء لاینفک اقتصاد سیاسی بوده و هم اکنون در گسترده ترین سطوح و در تمام شهرهای متمدن جاری و ساری است.

دوران بورژوازی در بستر تاریخ عهده دار مأموریت خاصی بوده و عبارت است از ایجاد پایه و اساس مادی جهان نوین و از طرف دیگر فراهم آوردن ارتباطات جهانی مبنی بر رابطه و وابستگی متقابل جوامع بشری و ابزارهای چنین ارتباطاتی و به همین منوال گسترش نیروی تولید عالم بشریت و تحول در زمینه تولید مادی از طریق تسلط علمی بر عناصر. صنایع و تجارت بورژوائی شرایط مادی دنیای جدید را به همان نحوی تحقق می بخشد که تحولات زمین شناسانه موجب دگرگونی در سطح زمین می شود. زمانی که انقلاب عظیم اجتماعی ساخت و سازهای عصر بورژوائی را تحت سلطه خود گیرد، و بازار جهانی و نیروهای تولید مدرن تحت نظارت جامع پیشرفته ترین مردمان درآید، از این پس پیشرفت های بشری از شباهتی که به بت های نفرت انگیز عصر بت پرستی(۳۱) دارند فاصله خواهند گرفت، یعنی عصری که شراب را تنها در کاسه جمجمه قربانیان نوش می کنند.

پی نوشت

1) *Mahratte* (اسم عام) از اهالی ایالت ماهاراسترا *Maharashtra* در هند. در عین زبانی است از خانواده هند و اروپائی که در ماهاراسترا رایج است.

2) *Mahométan*

3) *Hindou*

4) *Caste*

۵) چنین پرسش‌ها و برخی دیگر از گفتمان کارل مارکس بوده است که امروز برخی از منتقدین را بر آن داشته است تا مارکس را حتی به نقض قانون حقوق بشر محکوم کنند (حتی ادوارد سعید). ولی با مطالعه‌ای که من از نوشته‌های مارکس داشته‌ام علت چنین قضاوت‌هایی را در مطالعه جزئی متون مارکس می‌دانم.

6) *hindouisé*

7) *Zémindari*

۸) *Ryotwari* رعیت داری

9) *Ploutocratie*

10) *Quarter*

11) *Khandesh*

12) *Poona*

13) *Ghât*

14) *Colonel Warren*

15) *St. William*

16) *municipale*

17) *atomes stéréotypés*

۱۸) در حاشیه تنها می‌خواستم توجه خواننده را به نحو بیانی مارکس جلب کنم که تمناً و آرزومندی را مقدم شمرده و جزء لاینفک نیل به پیشرفت دانسته است.

19) *Chapman, Le coton et le Commerce de l'Inde*

20) *Moderne*

21) *Hardwar*

22) *M. Campbell*

« *Moderne India : a Sketch og the system of Civil Government* », London 1852, pp.59-60

23) *Les castes indiennes*

24) *Prince Saltykov*

25) *Djat*

26) *Le type Germain*

27) *Lord Clive*

28) *Radjah*

29) *Orissa*

30) *Jagannatha*

۳۱) *Païen, paganisme* نامی که مسیحیان اولیه در اواخر امپراتوری رم به مذاهب چند خدائی اطلاق می‌کردند.